

بسمه تعالی



دانشگاه علوم پزشکی
و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر

عنوان طرح

مفهوم یادگیری از همپرازان از دید دانشجویان پرستاری

concept of peer learning in nursing students' point of view

مجری اصلی طرح:

دکتر مریم روانی پور

استادیار گروه پرستاری

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

همکاران طرح:

دانشجویان کارشناسی پرستاری

حلیمه قادریانی، مرضیه بهارلو

1388

چکیده:

مقدمه: آموزش و یادگیری از همپرازان یک مداخله آموزشی مؤثر برای دانشجویان علوم سلامتی در محیط های بالینی است. متأسفانه تاکنون تحقیقات تجربی خاص با تمرکز بر کاربرد آموزش همپرازان در بالین بسیار اندک بوده و ضروری است عوامل تسهیل گر و ممانعت کننده کاربرد این روش در بالین مورد بررسی عمیق قرار گیرد.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی است که بدلیل ماهیت کار با استفاده از شیوه بحث متمرکز گروهی ب دو گروه (۱۵ نفر) از دانشجویان کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۳۸۸ که در یکی از بخش های کودکان یا نوزادان به صورت همپرازی آموزش دیده بودند ب عمل آمد.

نتایج: یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه نوع و حجم کار، نقش آموزشی مربی و ویژگی های دانشجویان را به عنوان عوامل تسهیل گر یاد گیری از همپراز و تنش در محیط، نظارت حاشیه ای مربی و عملکرد رقابتی دانشجویان از عوامل ممانعت کننده بر روند یادگیری از همپراز معرفی شدند.

بحث و نتیجه گیری: گرچه یافته های تحقیقات کیفی بطور بالقوه قابلیت تعمیم پذیری ندارند، نتایج این پژوهش رضایتمندی کلی از آموزش به شیوه همپرازی را در موفقیت اجرای آموزش همپرازان مطرح و آن را روش مناسبی برای غلبه نسبی دانشجویان بر مشکلات یادگیری در بخش عنوان نمود. همچنین لزوم پرداختن بیشتر محققان به این حیطه را پیشنهاد می نماید. بعلاوه به نظر می رسد در صورت طولانی تر بودن مدت زمان آموزش نتایج جامع تر و عمیق تری حاصل خواهد شد.

کلمات کلیدی: عوامل تسهیل گر، عوامل ممانعت کننده، یادگیری از یار، همپرازان، دانشجوی پرستاری، آموزش بالینی، بحث متمرکز گروهی، تحقیقات کیفی

مقدمه:

هدف آموزش های بالینی در پرستاری آماده سازی دانشجویان برای وظایف اصلی حرفه ای، افزایش مسئولیت های حرفه ای و دستیابی به استقلال در انجام کارها و نیز توانمند سازی دانشجویان در به کارگیری دانش و شایستگی ها در زندگی حرفه ای شان می باشد که اساس آموزش های آنها را تشکیل می دهد (۲۰۱). از طرفی، از شایعترین نگرانی های دانشجویان در محیط بالینی استرس و اضطراب است که می تواند در روند یادگیری آنها اثرات منفی ایجاد نماید اما در صورت وجود نظارت مناسب می تواند به حداقل برسد (۲). یادگیری نیازمند حمایت و همیاری اساتید، منتورها، همپرازان و سایر منابعی هستند که هر یک روش های متفاوتی از آموزش را برای رفع نیازهای یادگیری دانشجویان فراهم می آورد (۳ و ۴).

شیوه آموزش بوسیله همپرازان بخشی پیوسته از یادگیری انسان برای چندین قرن بوده و به طور کلی به افرادی اطلاق می شود که همگی در یک گروه سنی و یک سطح یادگیری باشند که در اغلب موارد خود افراد نسبتاً کم تجربه اند (۵). براساس تعاریف موجود گاهی اوقات به همپرازان واژه همپرازان منتور که در آن دانشجو و منتور هر دو هم سن و هم ترم تحصیلی باشند اطلاق می شود (۶). گروه های همپرازان راهی کارآمد برای دستیابی به اهداف بالینی آموزش پرستاری هستند (۱). اخیراً آموزش و یادگیری از همپرازان در آموزش پرستاری از اهمیت رو به افزایش برخوردار شده، هرچند این روش به صورت یک یادگیری غیررسمی به ویژه در فعالیتهای بالینی در نظر گرفته می شود که این خود خالی از مشکل نخواهد بود (۷).

گرچه در مواردی استفاده از منتور (نه به صورت همپرازان منتور) به عنوان یک استراتژی کلیدی در جهت حمایت از دانشجویان پرستاری و پرسنل تازه وارد در محیط های بالینی درآمده است، اما این روش فرآیندی بس پیچیده بوده و نیازمند ارتباطات پیوسته و هدفمند است که بر پایه دانش، تجربه و فرصت های بازانديشی بنا شده باشد (۶). بعلاوه ضرورت ایجاد تعادل بین نقش درمانی و نقش آموزشی پرستارانی که نقش منتوری را برای دانشجویان در بالین ایفاء می کنند و نیاز به داشتن آمادگی علمی و در مواردی نیاز به

گذراندن برنامه های آموزشی خاص، باعث بروز اشکالاتی در ایفای نقش آموزشی توسط منتورها شده است (۱۱و ۱۰و ۹و ۸و ۲). بنابراین نیاز به یافتن روش های آموزشی و نظارتی مناسب تر در محیط بالینی ضروری به نظر می رسد. از طرفی یادگیری از همپرازان فواید بسیاری در بر دارد از جمله دستیابی به شناخت، بهبود ارتباطات و شناخت مشکلات یادگیری دوستانشان (۱۲)، کمک به سازگاری با تقاضاهای بیش از حد محیط بالینی (۱۳)، ارتقاء یادگیری در حیطه روانی حرکتی و شناختی (۱۴)، و در کل دستیابی به تجربه با کفایت تر آموزشی می شود (۱۵). ضمن اینکه مدل مناسبی جهت ایفای نقش در اختیار دانشجویان قرار می دهد (۱۶).

مطالعات بسیاری نیز در زمینه مشکلات یادگیری تکنیک ها در محیط بالین ی برای دانشجویان و کمک گرفتن از استراتژی یادگیری از همپرازان در کاهش مشکلات و افزایش برون ده یادگیری انجام شده است از جمله سود جستن از گروه های همپراز باز اندیش (۱۳)، حمایت همپرازان (۱۷)، به ویژه حمایت آموزشیاران همپراز (۱۸و ۱۱) و کمک منتورهای همپراز در گذر دانشجویان سال اولی به محیط دانشگاه و رشته پرستاری (۶). همچنین استفاده از این روش در آموزش درس آناتومی به دانشجویان پزشکی (۱۹) و حتی در مواردی آموزش دستیابی به ظرفیت بالاتر رفتارهای هیجانی دانشجویان پرستاری مطابق با فرمها و ارزشهای حرفه ای (۲۰)، و یا مقایسه استراتژی های یادگیری فرد محور بین دانشجویان سال اولی پرستاری و پزشکی (۲۱) عنوان گردیده است. بعلاوه بدلیل محسنات روش همپرازان از این شیوه جهت نظارت بالینی و یا ارزیابی همپرازان نیز در مطالعات بسیاری استفاده شده است (۲۷و ۲۶و ۲۵و ۲۴و ۲۳و ۲۲و ۹)؛ اما تا بحال مطالعات تجربی در مورد استفاده و نوع فعالیت بالینی خاص با همپرازان در حد بسیار اندک انجام گردیده (۱۶و ۹)، و همین موارد اندک هم نتوانسته اند تاکنون معین نمایند که چه روشهای آموزشی خاصی در محیط بالینی می توانند اثرات یادگیری بهتری برای دانشجویان فراهم آورند (۲۸). در ضمن ضرورت انجام تحقیق از تجارب همپرازان به منظور ساختاردهی بهتر به برنامه های آموزش پرستاری، در مطالعاتی مطرح شده است (۱۵). محققین این پروژه نیز تجاربی به طور پراکنده از کاربرد این شیوه در آموزش های بالینی

دانشجویان پرستاری و مامایی در بخش های مختلف بیمارستان های در قالب کارآموزی و کارورزی داشتند . همچنین در مواردی شاهد بودیم دانشجویان جهت انجام پروسیجرهایی که مهارت کافی در آن نداشتند به طور غیر رسمی و گاهی مخفیانه از حمایت و راهنمایی دوستان همگروهی شان استفاده می کردند. به همین دلائل بر آن شدیم این فرایند را به طور رسمی تر در قالب طرحی پژوهشی با هدف کشف عوامل تسهیل گر و ممانعت کننده در استفاده از روش یادگیری از همپرازان در آموزش بالین از دیدگاه دانشجویان پرستاری به انجام برسانیم.

روش اجرا:

تمرکز ما به کشف عوامل تسهیل گر و ممانعت کننده در آموزش و یادگیری از همپرازان در محیط بالینی بخوبی با روش تحقیقات کیفی قابل پیگیری بود که از میان انواع روش های تحقیق کیفی به دلیل ماهیت پژوهش مورد نظر و هدف جستجوی تجارب و نظرات گروه هایی از دانشجویان که تحت آموزش با همپرازان قرار گرفته بودند از روش بحث گروهی متمرکز استفاده نمودیم.

افراد مشارکت کننده در این پژوهش مجموعاً ۱۵ دانشجوی سال آخر کارشناسی پرستاری بودند که در دو گروه مجزا و تحت نظارت یک مربی خاص کارآموزی در دو بخش کودکان و نوزادان را طی یک ترم تحصیلی در سال ۱۳۸۸ گذرانده بودند. از آنجائیکه می خواستیم اولین تجربه کارآموزی دانشجویان در بخش های نوزادان یا کودکان را بررسی کنیم؛ برای یک گروه در بخش کودکان و برای گروه دیگر در بخش نوزادان مداخله آموزش همپرازای اجرا و در بخش های معکوس شان از روش آموزش معمولی استفاده شد. در بخش آموزش به شیوه همپرازای برای اطمینان از انتقال اطلاعات صحیح در روز اول کارآموزی همه دانشجویان کارآموز با فرآیند کار و همچنین کارهای بخش آشنا شده و پس از نمایش مربی به تمرین برخی از مهارت های آموزش دیده شده پرداختند. در روز دوم از ۲ تن از دانشجویان بصورت داوطلبی خواسته شد دارو و سرم بیماران بخش را آماده و تجویز نمایند و اشکالاتشان توسط مربی اصلاح شد. روز سوم این دو نفر به عنوان همپراز دو نفر دیگر از دانشجویان مسئول تنظیم سرم و دارو، مشغول به آموزش و هدایت فعالیت های آنها

شدند. روز بعد این دانشجویان جدید نقش همپراز برای دو تن دیگر از دانشجویان همگروهیشان بعهده داشتند. مربی هم نقش نظارت بر آموزش و روند ارائه مراقبت ها و فعالیت سایر دانشجویان را بر عهده داشت.

پس از اتمام دوره کارآموزی هر دو گروه، هر گروه جداگانه در جلسه ای حاضر و در خصوص تجاربشان از داشتن همپراز در یک بخش در مقایسه با بخش مقابل که به نظر می رسد بلحاظ شرایط بخش نیز به هم نزدیک باشند به سؤالاتی از جمله : " تجربه شما از داشتن همپراز برای انجام مراقبت های پرستاری در مقایسه با بخشی که همپراز نداشت چه بود و چه عوامل تسهیل کننده و یا ممانعت کننده ای را در این راستا مؤثر می دانید ؟" پاسخ گفتند براساس پاسخ ها و بحث های مختلف دانشجویان که بعضاً مخالف هم نیز بودند سؤالات توضیحی دیگر مطرح شد

این مطالعه طرح مصوب دانشگاه بوده و به تائید شورای پژوهشی دانشگاه رسید. بر همین اساس به همه دانشجویان در مورد مطالعه توضیح داده شده و همگی پس از دادن رضایت شفاهی و کتبی در جلسات مصاحبه های گروهی شرکت کردند. به آنها اطمینان داده شد که نام و هویت آنها محرمانه مانده و صرفاً از کدها و بخشی کوتاه از صحبت های آنها جهت گزارش دهی استفاده خواهد شد. دانشجویان کاملاً از حق انصراف از پژوهش در هر زمان و بدون اینکه به نمره آنها لطمه ای زده شد یا عواقب سوء دیگری در برداشته باشد آگاه بودند.

پس از اتمام مصاحبه ها که توسط محققین و با نظارت دو تن دیگر انجام شد، نوارهای مصاحبه بر روی کاغذ پیاده و مشابه سایر مصاحبه های نیمه ساختار یافته یا بدون ساختار کیفی، کدگذاری و سپس کدها در قالب تم با استفاده از عناوین انتزاعی تر خلاصه گردیدند. تحلیل داده ها به صورت زیر انجام شد : ابتدا به منظور آشنایی و غوطه وری هر چه بیشتر در داده ها، نوارهای پیاده شده چندین نوبت خوانده شدند. در مرحله بعد هر یک از محققین به کد گذاری اولیه داده ها پرداخته و قبل از پرداختن به کدهای انتزاعی تر در مورد کدهای اولیه به توافق رسیدند. در نهایت کدهای اولیه با بررسی های بیشتر به کدهای انتزاعی تر (تم) خلاصه شدند(۱۳). مصاحبه ها تا زمان رسیدن به اشباع کدها ادامه یافت. از آنجائیکه موضوع مورد بررسی

محدوده مشخصی داشت و دانشجویان به خوبی به بحث و اظهار نظر می پرداختند، به نظر میرسید در اکثریت کدها اشباع صورت گرفته و کدها مرتب تکرار می شدند. جهت تضمین صحت داده ها، محققان سعی نمودند ضمن تمرکز بر هدف پژوهش و دوری از سوالات القاء کننده اطلاعات صحیح بدست آورده و با غوطه وری در داده ها و رسیدن به اتفاق نظر در کد گذاری ها با خود شرکت کنندگان نیز در خصوص همسانی برداشت ها هماهنگ شود. در نهایت با توصیف غنی مطالعه و داده ها سعی بر ایجاد شرایط مناسب ارزشیابی یافته ها برای خوانندگان شده است (۲۹).